

دکتر داود اصفهانیان

نتایج ایلغار مغول در ایران

مقدمه:

در تاریخ ایران سه هجوم بیش از سایر حملات در تمدن و فرهنگ و موجودیت این سرزمین تأثیر بجای گذاشته است هجوم اسکندر مقدونی در (۴۲۴ قبل از میلاد) حمله اعراب در (۷۴۲ میلادی ۶۱۶ هجری) هجوم مغولان نیرومندترین و در عین حال مصیبت بارترین موج حمله طوایف آسیای مرکزی به فلات ایران میباشد بعبارت دیگر حمله این قوم، ویران کننده ترین تجاوزات تاریخ گذشته ایران بوده است. این تهاجم يك تجاوز منفعت جویانه، استثمار و انتقامی بود و اصولاً نمیبایست دارای تاثیر اجتماعی و فرهنگی دراز مدت در جامعه ایرانی باشد. زیرا هر اقدام و عملی که بر اساس تجاوز نظامی و پیروزی آنی و جلب منفعت فوری صورت گیرد سطحی و پدیدوام است. اما هر نهضت و تحرکی که متکی بر اساس آرمان عمیق فلسفی مرامی و در جهت هدف انسانی باشد ریشه دار و بادوام و دارای آثار دراز مدت خواهد بود. متأسفانه برخلاف این واقعیت تسلط مغول بر ایران دارای آنچنان آثار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است که اثرات آن تا به دوران ما نیز رسیده است که به آنها اشاره خواهد شد.

شرح حوادث

سرزمین اصلی مغولان، دشت گبی واقع در مشرق آسیا مسکن اقوامی بود که چنگیزخان در اوایل قرن سیزدهم موفق شد بین اقوام متعدد این منطقه پهناور اتحاد برقرار سازد و سپس در نتیجه تسلط بر قوم ترك نژاد اویغور (۱) که از تمدن پیشرفته‌ای برخوردار بودند و خط و کتابتی داشتند این قوم صحراگرد چادر نشین فاقد هر نوع تجربه شهرنشینی بر امپراطوری چین شمالی که قبل از قدرت گرفتن چنگیزخان حاکم بر سرنوشت تمامی قبایل این منطقه بود تسلط پیدا کردند.

قوم مغول بر رهبری چنگیزخان کم کم قدرت منطقه‌ای بدست آورد و سپس درصد دگسترش دامنه قلمرو خود بطرف آسیای باختری درآمد. موقعیت جغرافیائی سرزمین‌های خشک و بی آب و علف آسیای خاوری و مرکزی، این اقوام را متحرك، متحمل، خون‌ریز، بی رحم و جسور بار آورده بود. همین طور شرایط اقلیمی این منطقه باعث عدم اطمینان در بین اقوام و قبایل مجاور نسبت بیکدیگر بود.

چنگیزخان اولین موقعیت پیروزی را برای این اقوام فراهم کرد آنها را صاحب هدف و مقصود مشترکی ساخت و آن تسلط بر سرزمینهای ثروتمند خاور و باختر آسیا و تأمین زندگی مرفه و ثروت برای اقوام مختلف. فاقد معیشت و محرومیت کشیده تاتار بود. بدین ترتیب وی اطمینان لازم را برای آنان فراهم ساخت و توانست اتحاد و یگانگی را جایگزین نفاق و دشمنی بین آنان کند. از طرف دیگر قدرت فرماندهی و استعداد ذاتی چنگیزخان در پیشبرد کار وی

۱- برای اطلاع بیشتر از احوال این قوم ر. ک به: ترکستان‌نامه. بارتلد ترجمه

کریم کشاورز جلد دوم از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران صفحه ۸۰۶ تاریخ جهانگشای.

تالیف عظاملك جوینی. سعی علامه قزوینی چاپ لیدن ۱۹۱۱ جلد اول صفحه ۳۲.

مؤثر افتاد وی برای نخستین بار باغارت امپراتوری ختا (چین شمالی) لذت بردن و متمتع شدن از یغمای شهرهای ثروتمند را به قوم گرسنه و حریص خود نشان داد و باعث شد که افراد این قبایل خود را با تمام امکانات سربازفداکاری در فرمانبرداری از خان بدانند و در راه او شمشیر بزنند و چنگیز خان نیز خواهان تشکیل امپراتوری وسیعی بشود.

قوم تاتار با این خصوصیات بطرف آسیای باختری سرازیر شد در سر راه آنان در مغرب فلات پامیر در سرزمین های زرخیز و آباد و ثروتمند ایران، حکومت سلطان محمد خوارزمشاه با وجود فتوحات اولیه و گسترش قلمرو و تسلط بر غوریان و قراختائیان و تشکیل حکومتی از ترکستان تا آسیای صغیر و از خوارزم تا بین النهرین نه تنها استقرار لازم را جهت اداره چنین کشور پهناوری نداشت بلکه با نابسامانی های فراوانی نیز روبرو بود.

هر يك از این نارسائی ها برای اضمحلال مقتدرترین حکومت ها کافی بود. غرور بیش از حد سلطان محمد خوارزمشاه، دخالت مادرش ترکن خاتون در امور ملك و مملکت و خود نفاق و دشمنی بین امرا و سپاه خوارزمشاه و عدم وجود رجال سیاسی با تجربه و سوء استفاده عمال دیوانی از عمده عمل بی ثباتی دولت خوارزمشاه و شکست وی از مغولان میباشد.

لشگر مغول بسرعت شهرهای کنار رودخانه سیحون و جیحون را پشت سر گذاشت و شهرهای آباد و پر جمعیتی که بدون تردید نمونه پیشرفته ترین شهرهای دنیای قرن سیزدهم بودند مانند بخارا، سمرقند، جرجانیه، مرو، طوس، بلخ و ری را با خاك یکسان کردند و از طریق خراسان بطرف مرکز ایران و از آنجا بشمال و غرب متوجه شدند و بجز فارس و منطقه جنوب ایران که

در دست اتابکان سلغوری فارس بود و قبول اطاعت از مغول را کردند مابقی نقاط ایران لگد کوب اسبان مغول شد.

سپاه تاتار بعد از فتح اراضی آباد آسیای باختری به این متصرفات کفایت نکردند در زمان اوکنای قاآن پسر و جانشین چنگیز خان از طریق دشت قپچان و شمال دریای مازندران بر کناره های ولگا مسلط شدند و مسکو را آتش زدند و کیف را غارت نمودند و از شمال تا برلن و در جنوب اروپا تا سواحل آدریاتیک پیش رفتند (۲).

سرانجام امپراتوری مغول بین چهار پسر چنگیز خان و یسا باز ماندگان آنها تقسیم گردید و در ۶۵۱ هجری (۱۲۵۶ میلادی) هولاکو پسر تولی به حکمرانی ایران فرستاده شد و از آن پس حکومت ایلخانان در ایران آغاز گردید.

چنگیز خان بعد از آنکه مغولان در خط سیر جهانگیری افتادند برای ایجاد نظم و ترتیب فرمان داد تا با استفاده از آداب و رسم قومی و مقتضیات جدید و دستورات وی قانون نامه ای معروف به یاسا بخط او یغوری تنظیم نمایند.

یاسای چنگیزی حاوی دستوراتی در امور نگهداری سپاه، آئین نبرد و اداره مملکت، راه و رسم زندگی و مقررات مجازات متخلفان بود. یاسای چنگیزی به اندازه ای در بین مغولان نفوذ پیدا کرد که تا انقراض سلاله چنگیز مراعات می شده است (۳).

2 - The Mongol Empire . Michael Prawdin, The Free Press, Newyork 1967 Second edition

Translated from the Germany Eden and Cedar Paul. P, 265

پس از استقرار حکومت چنگیزی قبایل مغول و تاتار در نتیجه تماس با ممالک متمدن بسیاری از آداب و رسوم خود را از دست دادند و حتی پس از مدتی زبان و مذهب گذشته را فراموش کرده و راه و رسم مملکت داری را از ملل مغلوب آموختند. سلاطین مغول در ممالک اسلامی مروج دین اسلام و در کشورهای بودائی مبلغ آئین بودا و مسیح شدند. چنگیزخان پس از تحکیم فرمانروائی خود و تنظیم یاسا نامه بزرگ سعی داشت احکام و دستورات یاسا نسبت به عموم طبقات بطور یکسان اجراء شود در کتاب طبقات ناصری در این مورد چنین آمده است: «چنگیزخان در عدل چنان بودی که در تمام لشکرگاه هیچکس را امکان نبود که تازیانه افتاده از راه برگرفتی جز مالک آنرا و دروغ و دزدی در میان لشکر او کس نشان ندادی و هر عورت که در تمام خراسان و زمین عجم بگرفتندی اگر او را شوهر بودی هیچ آفریده بدو تعلق نکردی و اگر کافر را بر عورتی نظر بودی که شوهر داشتی شوهر آن عورت را بکشتی آنگاه بدو تعلق کردی و دروغ امکان نبودی، که هیچ کس بگوید، و این معنی روشن است (۴)» با این حال مغولها از هنر مملکت داری بی بهره بودند و غالباً خان مغول اداره بلاد و ممالک را به اشخاص مورد اعتماد میسپرد چنانکه حکومت ماوراءالنهر تحت نظارت محمود یلواج خوارزمی بود (۵).

(۳) برای اطلاع بیشتر رک به: تاریخ جهانگشای جلد اول صفحه ۱۴

(۴) طبقات ناصری. تألیف منهاج سراج جوزجانی. تصحیح عبدالحی حبیبی. جلد

دوم. چاپ کابل ۱۳۴۳ ص ۱۴۴.

(۵) History of the Mongors, by Bertald Spuler. Translated from the German by Helga and Stuart Drummond, University of California Press 1972, P, 43.

در امور مربوط به چین نیز بایلو جوت سای و دربارہ اقوام آسیای مرکزی با تاتا کوس اویغوری مشاوره میکرد.

نتایج :

۱ - زمانیکه سیل بنیادکن مغول طومار چند صدساله فرهنگ و تمدن و هستی ایران را درهم می پیچید مناطقی از دستبرد این قوم مخرب در امان ماند و پایگاههای امنی برای محفوظ نگه داشتن تمدن و سنن اصیل ایران گردید.

منطقه فارس که حکومت آنجا با سعدبن زنگی و پسرش سعدبن ابوبکر از اتابکان سلغوری فارس بود با قبول ایلی مغول و بر اثر تدبیر و سیادت آنها این منطقه از تاخت و تاز و آسیب مغول در امان ماند و بعثت آرامش و امنیتی که پیدا کرد بزرگان علم و ادب از سایر نقاط آسیب دیده متوجه این ولایت شدند و توانستند فرهنگ ریشه دار ایرانی را پابرجا نگهدارند و در چنین موقعیتی بود که سعدی اثر جاودانی خود گلستان و بوستان را که در بین آثار ادبی و تربیتی جهان از مقام والائی برخوردار است بوجود آورد. ناحیه دیگری که توانست به بقای فرهنگ ایران کمک کند آسیای صغیر بود که با آغوش باز مهاجران ایرانی را پذیرا شد و عده زیادی از دانشمندان و مشاهیر به آنجا مهاجرت کردند و بوسیله آنان تعدادی از کتب آثار علمی و ادبی و نیز آداب و سنن ایرانی از دستبرد حوادث در امان ماند.

سومین پایگاه فرهنگی آن سوی رودخانه سند بود امراء محلی هند و سلاطین دهلی و حکام بنگال اکثراً با فرهنگ ایرانی آشنائی داشتند و بزرگان دربار آنها بیشتر از ایرانیان بودند. این امر در ادوار بعد باعث مهاجرت های

شعرا و فضلا و دانشمندان ایران به هند شد (۶).
 ۲ - قتل عام اهالی شهرهای پر جمعیت ایران، زوال تمدن شهری پر رونق و اقتصاد روستائی دایر که قرن‌ها پس از مغول اثرات آن باقی ماند و انحطاطی که در سیستم زراعت ایران بوجود آمد همچنان ادامه یافت بنابر نوشته پطروشفسکی در کتاب «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» حمله مغول موجب شد نوعی اقتصاد کوچ نشینی مبتنی بر دام داری توأم بایک نظم عشایری بمنظور جنگجویی دائم با ستمگری و قساوت بی سابقه‌ای در سرزمینی استقرار یابد که مردم آن با ایجاد شبکه‌های متعدد آبیاری و فنون پیشرفته کشاورزی در یک جامعه روستائی ساکن و وابسته بزمین در حال افزایش دائمی نیروهای تولیدی و بهبود روش‌های زراعتی بودند و مغولان به جبر و عنف زمین‌های مزروع ایشان را غصب و تصاحب میکردند و واحه‌های شکوفان بدین طریق بدشت مبدل میگشت و کشاورزی قدیم و پر برکت ایران که به چیره دستی و آزمودگی روستائیان در امر زراعت و باغداری متکی بود در بسیاری از نواحی آن سرزمین جای خود را به دامداری صحرائنشینی و یا نیمه صحرائنشینی تفویض کرد (۷).
 «یعنی بغیر از حاکم و مالک که در گذشته متفق هم بودند با تسلط قوم

(۶) رک به: تاریخ ادبیات در ایران. تألیف دکتر ذبیح‌اله صفا. جلد سوم. از

انتشارات ابن سینا. ۱۳۵۱. صفحه ۸۰.

(۷) کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول. تألیف پطروشفسکی ترجمه کریم

کشاورز. از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. جلد

اول ۱۳۴۴. صفحه ۷۲.

چادرنشینی مغول به خطه حاصلخیز ایران نظام فتودالیت به نحو خاصی تقویت شده و نیروی سومی بآن اضافه گردید.

از این پس خوانین و سرکرده های لشکر مغول که کوچ نشینی اساس بقای آنها بود بتدریج هم مالک زمین شدند و هم زندگی ایلاتی را گسترش دادند. این بار پشتیبان و ضامن اجرای برتری جوئی آنها هم حکومت بودوهم شمشیر. بالطبع کشاورزی رونق خود را از دست داده و زندگی ایلاتی رونق می گرفت. از يك طرف اراضی دیوانی، اینجو و خالصه فزونی می گرفت و بر مالیات ها و خراج ها افزوده می گشت بدون آنکه محصولات فزونی یابد. از طرف دیگر سرزمین های قبایل وسعت می یافت و میزان اعمال قدرت حکومت مرکزی در همه نقاط رو به کاهش می رفت. بتدریج زارعین علاوه بر حاکم و مالک مدعی و دشمن جدیدی یافتند که آن ایلات متحرک بودند.

ایلاتی که پس از مغول، صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه را یکی پس از دیگری به اقتدار رسانیدند نتیجه ای که پطروشفسکی از تحقیق خود در مناسبات ارضی ایران می گیرد این است که این نظریه که زندگی کوچ نشینی و نظام عشایری در ایران صرفاً نتیجه جبر جغرافیائی و طبیعی نبوده بلکه چیرگی مغولان آنرا تحکیم و تشدید کرده است حمایت و تقویت صفویه از عشایر نیز مؤید این مطلب می باشد (۸).

۳ - یکی دیگر از نتایج منفی اجتماعی حمله مغول بواسطه خرابیها و کشتارها و به نتیجه نرسیدن تلاشهای دفاعی و تدابیر امنیتی مردم در مقابل قوم مهاجم تدریجاً حس عدم امنیت دائمی تسلیم و رضا و بی اعتنائی نسبت به امور

(۸) به نقل از مقدمه همان کتاب.

دنیوی و تقویت روحیه گوشه گیری بیش از پیش در مردم ایجاد گردید. نمونه این روحیه داستانهای مربوط به زبونی و ترس مردم از دست مغولان میباشد نظیر همین روحیه و احساس در زمان حمله افغانها در پایان عصر صفوی نیز مشاهده میگردد. این وضع، فکر و اندیشه و طبع شاعران و نویسندگان را تحت تأثیر قرار داده است و بهمین دلیل آثار ایندوره اکثراً دارای مفاهیم عرفانی و بقول استاد ذبیح الله صفا خیالات تند صوفیانه و درویشانه و گوشه گیری و بیش از پیش حاکی از بدبینی و ناخشنودی از اوضاع روزگار ناپایداری جهان و نظایر آن است (۹).

۴- ره آورد دیگر این حادثه به فرهنگ ایران ورود عده‌ای از کلمات مغولی در زبان پارسی است از طریق سازمانهای دولتی و مکاتبات و فرامین و یا تماس مستقیم مغولان با مردم صورت گرفته است مانند کلمات زیر:

آقا - ایل - ایلغار - بهادر - تومان - داروغه - قرق - کنکاش - کوتل - کوچ - یاسا - یورت.

و عده‌ای لغات دیگر که هنوز در زبان فارسی بکار برده میشود. (۱۰)

(۹) تاریخ علوم و ادبیات ایرانی. تألیف دکتر ذبیح الله صفا. انتشارات ابن سینا. ۱۲۴۷ ص ۱۶۹.

(۱۰) برای اطلاع کامل از تأثیر زبان ترکی و مغولی در زبان فارسی رجوع شود به مجموعه تحقیقی و بسیار ارزنده:

Sürkische Und mongolische Elemete im Neupersischen unter besonderer Berücksichtigung älterer neupersischer Geschichtsquellen, Vor allem der Mongolen-und Timuridenzeit.

4 Bände. Wiesbaden 1963-1975.

Akademie der Wissenschaften (Mainz).

بطور کلی میتوان گفت اگر سیر پیشرفت نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران وسیله مغولان قطع نگردیده بود بسیار محتمل است که یگانگی اقتصادی و سیاسی قوم ایرانی در فلات ایران خیلی قبل از عصر صفویه عملی میگردد، ۵ - با وجود آثار شوم و مخرب حمله مغول به ایران و منطقه غرب آسیا، هجوم این طوایف چادر نشین و تشکیل امپراتوری مغول یک سلسله آثار مساعد نیز داشت که بطور کلی در مدت طولانی بنفع پیشرفت اقتصادی و سیاسی ایران و تماس بیشتر ملل آسیا و اروپا بود، از جمله این آثار از بین رفتن خلافت بغداد بوسیله هلاکو و قطع تسلط معنوی عباسیان بر ایران میباشد. چنانچه مسلم است از همان آغاز تا پایان کار خلفاء عباسی با تمام قوا و به وسایل مختلف باکشتن و نابود کردن مردان مبارز ایران با سرکوب کردن مستقیم جنبش های آزادی و ملی با خدعه و نیرنگ و دسیسه و پراکندن تخم اختلاف در بین مردم از تشکیل دولت نیرومند ملی ایران جلوگیری بعمل آوردند. حکومت خلفاء و نفوذ معنوی آنها در ایران مانع بزرگی در راه برقراری یگانگی و وحدت سیاسی و اقتصادی بود.

۶ - اثر مساعد دیگر این واقعه بر اقتصاد ایران و تمام منطقه آسیا تا حوزه مدیترانه، تشکیل امپراتوری پهناور مغول از آسیای شرقی تا حدود سوریه و بین النهرین و روسیه و اروپای شرقی موجب از بین رفتن موانع و محدودیت های محلی و نزدیک کردن ملل مختلف به یکدیگر گردید.

برای نخستین بار در تاریخ تمدن علماء و دانشمندان اقصی نقاط آسیا و اروپا اعم از ایرانی، چینی، عرب، اویغوری، بودائی و اروپائی با یکدیگر

به مبادله علم و دانش و تماس علمی پرداختند. این امر باعث گسترش علم در نتیجه نزدیکی ملل بود که رابطه بین شرق و غرب که از زمان سلجوقیان و جنگهای صلیبی بطور قابل ملاحظه افزایش یافته بود در دوره مغولان بطور بی سابقه توسعه یافت.

۷- از همین دوره بود که سیاحان و سوداگران نظیر مارکوپولوبرای آگاهی از اوضاع و احوال شرق افسانه‌ای و دست یافتن به ثروت این نواحی و اشاعه آئین مسیح از راه اروپا و ایران به شرق آسیا رفتند و در مقابل سفراء و نمایندگان از طرف حکمرانان مغول به کشورهای مختلف اروپا گسیل گردید.

۸- در ایندوره بازرگانی بین شرق و غرب در سطح وسیعی توسعه یافت و قسمت عمده این داد و ستد از راه ایران از جاده معروف به ابریشم در شمال و جاده ادویه در جنوب صورت می‌گرفت.

شیوه خاقانی اجتناب از سادگی و روی آوردن به کنایه و استعاره است. مثل اینکه سادگی بیان او را آزار میدهد یا آنرا دون شأن شاعری خود میداند و مناسب مردمان عادی فرض میکند.

(خاقانی شاعری دیر آشنا)